نقد نایب شیرازی بر مجموعه

دانشنامه ای که مرجع و ر

نایب شیرازی: هر کتابی حق دارد خطا کند؛ اما هر کتابی حق ندارد با عنوان «دانشنامه»، خطاهای خود را به حافظه یک شهر و یک ملت بسپارد.

دانشنامه، صرفاً کتابی قطور با انبوهی از مدخل‌ها و اطلاعات نیست؛ دانشنامه حافظه علمی یک سرزمین و یکی از معتبرترین ابزارهای انتقال دانش به نسل‌های آینده است؛ ازاین‌رو، عنوان «دانشنامه» بیش از آنکه امتیاز باشد، مسئولیتی سنگین است؛ مسئولیتی که جز با مدخل‌گزینی روشمند، پژوهش مستقل، صحت‌سنجی اطلاعات، ارزیابی منابع، ارجاع دقیق، ویراستاری علمی و نظارت تخصصی نمی‌توان از عهده آن برآمد. این مسئولیت درباره شیراز، اهمیتی دوچندان دارد. شیراز تنها یک شهر نیست؛ یکی از کانون‌های بنیادین حافظه تاریخی، ادبی، هنری و فرهنگی ایران است. از همین رو، اثری که با عنوان «دانشنامه شیراز» منتشر می‌شود، خواناخواه در جایگاه مرجعی فرهنگی قرار می‌گیرد که پژوهشگر، دانشجو، نویسنده و حتی آثار پژوهشی آینده ممکن است به آن استناد کنند. خطا در چنین اثری، صرفاً خطایی در یک اثر نیست؛ خطایی است که می‌تواند در چرخه تولید دانش، بازتولید و سرانجام به‌عنوان حقیقت تثبیت شود.

«دانشنامه شیراز» به سفارش رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری شیراز به دکتر مصطفی ندیم، عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی زند شیراز و مدرس بازنشسته دانشگاه شیراز، تدوین شده است. ناظر و ویراستار علمی این مجموعه، علیرضا جوانمردی؛ داور علمی، عباس جاویدان و ویراستار فنی، محمدرضا امینی است. این مجموعه را نشر سیوند در سال ۱۴۰۵ در شمارگان ۵۰۰ دوره منتشر کرده است. براساس گفته دست‌اندرکاران «دانشنامه شیراز» این مجموعه پانزده جلدی است که هم‌اکنون ۹ جلد آن منتشر شده است. جلدهای این مجموعه، در عطف خود، شماره جلد ندارند و مخاطب باید حدس بزند که ترتیب این جلدها چگونه است!!! البته با دقت در وضعیت فهرست‌نویسی (فیپا) ترتیب جلدها روشن می‌شود، اما روشن نیست چرا دکتر مصطفی ندیم که در صفحه سوم کتاب عنوان «تصنیف» را برای خود برگزیده است، در فیپا «مولف» در مقدمه «سرپرست دانشنامه» و در متن «نگارنده»!!! مقدمه اصلی و تفصیلی خود را در مورد دانشنامه، در جلد هفتم آورده است. شاید در ذهن «مصنف» بخش نخست، جلد نخست مشاهیر و نام‌آوران، جلد اول بوده است، همان‌گونه که در ذهن علیرضا جوانمردی مسئول پروژه، ناظر و ویراستار علمی این مجموعه در گفت‌وگو با روزنامه «شهر مردم» (۱۷ شهریور، صفحه ۸) این‌چنین بوده که گفته است: «سه جلد اول، با میانگین ۴۰۰ صفحه برای هر کتاب، شامل مشاهیر اهل ادب، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار از آغاز تشکیل شیراز؟!، یعنی حدود ۱۴۰۰ سال پیش، تا اهل ادب متولد ۱۳۰۰ شمسی است».

اگر این ۹ جلد، یک مجموعهٔ به‌هم پیوسته است، روشن نیست که چرا مقدمه معاون فرهنگی شهرداری شیراز و «مصنف»، ۹ بار و هر بار در ۶ صفحه برای سپاسگزاری از یکدیگر تکرار شده است و به همان یکبار بسنده نکرده‌اند. تقسیم‌بندی موضوعی جلدهای منتشر شده غیرعلمی و غیرضروری است، اما چون «مصنف» و ناظر علمی و داوران، هیچ‌کدام، با ویژگی‌های علمی دانشنامه آشنایی نداشته‌اند و تاکنون از هیچ‌کدام از آنان مقاله‌ای دانشنامه‌ای، در هیچ دانشنامه ملی و محلی منتشر نشده است، دانشنامه را به مجموعه مقالات، کشکول، نقل‌قول‌های طولانی، مقدمه‌های غیرمستند و تکرار نعل به نعل منابع پیشین، تقلیل داده‌اند.

مصنف در جلد نخست مشاهیر و نام‌آوران، بی‌هیچ دلیل علمی، در دیباچه، از موضوعات گوناگون چون: جغرافیایی مختصر شیراز، اعتدال فکر و ذهن، مهاجرت‌های فرهنگی، حکومت‌های آبادگر و آزاداندیش، نقش دیوان‌سالاران و وزرا، رشد علم و دانش و هنر، رشد ادبیات، نگاهی کوتاه به تاریخ شیراز و... بدون حتی یک استناد علمی، مطالبی نوشته است که برای مقدمه دانشنامه، غیرعلمی و غیرضروری است و سپس به موضوع «شرح‌حال‌نویسی» پرداخته و با خلاصه‌نویسی از یافته‌های استاد احمد گلچین معانی، بدون ارجاع دقیق به صفحات کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی»، به نقد و بررسی منابع و بررسی تذکره‌های عمومی و تذکره‌های مربوط به فارس و شیراز پرداخته است؛ اگرچه در صفحه ۲۶ همین جلد، در مورد مولفان تذکره‌ها نوشته است: «غیر از خلاصه‌نویسی و انتحال، بی‌دقتی آفت بزرگی است»، اما خود به هر سه مورد از این موارد نقد، مزّین است و چون با روش‌شناسی دانشنامه هیچ آشنایی ندارد، به «نقد و بررسی» ۱۶ منبع انتخابی می‌پردازد و دانشنامه را با کتابشناسی توصیفی اشتباه می‌گیرد.

در صفحه ۵۲ همین جلد «مصنف»، سرپرست دانشنامه می‌شود و می‌نویسد: «سرپرست دانشنامه باید حتماً پیش از شروع کتاب، شیوه نگارش و ویژگی‌های کتاب را برای خوانندگان بیان و مشخص کند» (مشاهیر و نام‌آوران، بخش نخست: ۵۲)

[چنانکه توضیح داده شد، جلدهای کتاب به روش علمی شناخته شده، شماره‌گذاری نشده است؛ از این رو در ارجاع درون‌متنی ناچار به آوردن عنوان و شماره جلدها هستیم].

و سپس در دو بخش ویژگی‌های صوری و ویژگی‌های محتوایی، می‌کوشد که شیوه‌نامه «دانشنامه شیراز» را بیان کند و می‌نویسد: «دانشنامه دارای ترتیب الفبایی است» (همان).

اما این‌گونه نیست. در دانشنامه‌های علمی ایران و جهان، منظور از ترتیب الفبایی، آمدن کلیه مدخل‌ها اعم از شاعران، نویسندگان، عالمان، عارفان، روزنامه‌نگاران، آثار تاریخی و مذهبی، کتاب‌ها، فرهنگ عامه، در زیر یک حرف الفباست؛ امری که مغایر با مجموعه ۹ جلدی منتشر شده است، اما اگر منظور «مصنف» سه جلد «مشاهیر و نام‌آوران» است؛ این سه جلد نیز موضوعی الفبایی است. اگرچه با شماره‌گذاری عنوان‌ها (چون مدخل علمی نیستند) روش غیرعلمی به‌کار برده‌اند. روش علمی برای تنظیم الفبایی دانشنامه‌هایی که به زبان فارسی منتشر می‌شود، روش حرف به حرف است و اگر به این اصل علمی پایبند باشیم، گذاشتن شماره و عدد برای مدخل‌ها، کار بیهوده‌ای است.

نکته غیرعلمی دیگر؛ اینکه این سه جلد اگرچه از نظر موضوع و شماره‌گذاری عنوان‌ها، به‌هم پیوسته است، اما از نظر شماره صفحه، مجزاست و این امر پیوستگی و ارجاع‌دهی را مشکل می‌کند.دومین ویژگی به بیان «مصنف» این است که: «از آنجا که موضوع این بخش از دانشنامه، بزرگان اهل ادب است و بیشتر این بزرگان در منابع مختلف و به‌ویژه تذکره‌ها براساس تخلص آنها ترتیب‌بندی شده‌اند، ترتیب الفبایی براساس تخلص افراد انتخاب شده است» (همان).

در همهٔ دانشنامه‌های علمی، همواره، عنوان اشهر، به عنوان مدخل اصلی انتخاب می‌شود و پایبندی به شیوه تذکره‌نویسی که سنتی قدیمی است، هیچ سنخیتی با شیوه دانشنامه‌های علمی امروز ندارد؛ به‌ویژه اینکه به روایت مقدمه «مشاهیر و نام‌آوران» شامل نویسندگان و روزنامه‌نگار می‌شود و تخلص تنها ویژه شاعران است، بنابراین در مدخل گزینی این مجموعه نیز، هیچ شیوه علمی دیده نمی‌شود. در دانشنامه‌های علمی، مدخل بر دو نوع؛ اصلی و ارجاعی و به لحاظ عبارت‌بندی، مستقیم و معکوس است. در آنها «غیر اشهر به اشهر، لقب به اسم، اثر به اثرآفرین یا موضوع اثر، ضبطی به ضبط دیگر، اخص به اعم، یا جزء به کل یا زیرمجموعه به مجموعه» ارجاع می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۲: ۸).

پایه‌های هر دانشنامه‌ای با مدخل‌گزینی استوار می‌شود و انتخاب مدخل‌های علمی ضامن به سامان و سرانجام رسیدن آن است و همین ویژگی، دانشنامه را از حیث مبانی نظری و نیز وجوه کارکردی، از سایر مراجع متمایز می‌گرداند. انتخاب مدخل به شیوه علمی و با همکاری شورای مدخل‌گزینی، نخستین و مهم‌ترین گام تالیف دانشنامه است. با توجه به همین شاخص‌ها، هر شاعری که نام او در تذکره‌های عمومی یا محلی آمده است، حتی با داشتن چندصد بیت شعر، الزاماً نمی‌تواند به مدخل تبدیل شود. بررسی ۱۰۵۲ عنوان این جلد، نشان می‌دهد که شاعرانی با یک یا چند بیت و بدون اطلاعات لازم از زندگی و ویژگی اثر آنان، مدخل شده‌اند و در واقع، منابع تذکره‌ای عیناً تکرار شده است و تقلیل دانشنامه به تذکره!!، فنی است که مصنف به‌خوبی از عهدهٔ آن برآمده است.

براساس شیوه‌نامه‌های دانشنامه‌های جهانی و نیز «دانشنامه جهان اسلام»، «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، «دانشنامه زبان و ادب فارسی» و... هر مدخل، از پنج بخش اصلی تشکیل می‌شود که عبارتند از: «عنوان اشهر، معرّف، بدنه یا متن، منابع و امضا». با بررسی مقالات این سه جلد، روشن می‌شود که علاوه بر پریشانی و عدم یکدستی، بیش از ۹۰ درصد مقالات، واجد ویژگی‌های مقالهٔ دانشنامه‌ای نیستند.

تعداد شماره مدخل‌های سه جلد «مشاهیر و نام‌آوران» ۱۰۵۲ عدد است که از این میان، ۹۰ مقاله توسط ۱۶ نفر نوشته شده و ۹۶۲ مقاله توسط مصنف؛ یعنی حدود ۹۰ درصد مقالات!!! هر پژوهشگر متوسط‌الحالی نیز به فراست می‌داند که نوشتن ۹۶۲ مقاله علمی، تنها در دو سال، غیرممکن و دست‌نیافتنی است، ولی رونویسی از منابع دیگر و پشت هم گذاشتن برگه‌های تحقیقاتی بدون یکدستی و ویرایش علمی، کاری سهل است، فنی که مصنف در تمامی ۹ جلد به آن آراسته است.

ویژگی صوری دیگری که سرپرست دانشنامه نوآورانه!!! به آن می‌پردازد، چگونگی نوشتن عدد در دانشنامه است و می‌نویسد:«برای پیشگیری از ایجاد اختلاف در نگارش اعداد، همه اعداد، مگر موارد خاص، به‌صورت حروف نوشته شده‌اند» (مشاهیر و نام‌آوران، بخش نخست: ۵۳).

تاکید بر «نگارش همهٔ اعداد به حروف» نیز با توجه به اینکه کلیه ارجاعات درون متنی، منابع، شماره مدخل‌ها به عدد است!!! ادعایی واهی است. البته با توجه به متن کتاب و نه این جمله مبهم، می‌توان فهمید که منظور مصنف از «همه اعداد» تاریخ تولد و مرگ شاعران و نویسندگان و تاریخ حوادث و اتفاقات است که با ذهن تذکره‌ای در همین مقدمه نوشته است: «نگارش تاریخ به عدد، موجب مشکلات فراوانی برای شناخت شعرا و نویسندگان شده است» (همان: ۲۶).

او هنوز در دوران قاجار یا پیش از آن به‌سر می‌برد که نسخه‌های خطی تذکره‌ها، توسط کاتبان یا نویسندگان نوشته می‌شد و گاه دشواری‌هایی را آن‌چنان که مصححان تذکره‌ها گفته‌اند، برای تصحیح به‌وجود آورده است. اگرچه این شیوه هم در مقالات یکدست رعایت نشده است، اما براساس شیوه‌نامه‌های علمی دانشنامه‌های ایران و جهان، در ۲۰۰ سال اخیر، همه تاریخ‌های مهم به رقم نوشته می‌شوند. اعداد به‌صورت رقم چشمگیرتر و گویاتر هستند و مقایسه آنها آسان‌تر است و در حروف‌چینی امروز، نوشتن اعداد به‌صورت رقمی، بسیار کوتاه‌تر از نوشتن به‌صورت حروف است و فضای کمتری اشغال می‌کند.

دانشنامه مرجعی است که مخاطب براساس نیاز به یکی از مدخل‌های آن مراجعه می‌کند و شایسته است که آشنایی اجمالی و مستند از شاعر یا نویسنده موردنظر داشته باشد

به‌عنوان نمونه در مدخل:

«۱۵۰ بهمن‌بیگی (محمد)... وی در سال هزار و دویست و نود و نه ه.ش زاده شد... و در پانزدهم اردیبهشت ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و نه ه.ش در شیراز درگذشت» (همان: ۲۱۱ - ۲۰۸).

که در دانشنامه‌های علمی نوشته می‌شود: بهمن‌بیگی، محمد (۱۲۹۹-۱۳۸۹ش)... که هم خوشخوان‌تر است، هم گویاتر و هم کم حجم‌تر... بگذریم که نام ایشان هم در پرانتز آمده که روشن می‌شود، مصنف کاربرد آن را هم نمی‌شناسد. البته در دانشنامه‌ها نیز گاهی اعداد به حروف نوشته می‌شوند؛ مانند اعداد در حالت جمع بستن؛ مثل صدها، هزاران... اگر اعداد جزیی از یک کلمه مرکب باشند؛ مانند: سی قصیده، نود ساله... اعداد ترتیبی مانند: امام یازدهم، قرن بیستم و... ولی تاریخ تولد و مرگ و حوادث نوبری است در کشکول مصنف.

سرپرست دانشنامه در ادامهٔ ویژگی‌های صوری آورده است که: «ارجاع‌نویسی درون‌متنی و کتابنامه‌نویسی، براساس روش تحقیق علمی در مجلات معتبر داخلی است» (همان: ۵۳).

این نگاه ساده‌انگارانه نیز نشانه عدم اطلاع سرپرست دانشنامه از شیوه‌نامه دانشنامه‌های علمی جهان و ایران است که هریک دارای شیوه‌نامه مفصل در مورد ارجاعات گوناگون؛ ارجاع مدخل ارجاعی به مدخل اصلی، ستاره‌دار کردن مدخل‌ها در متن مقالات، ارجاع به نسخه‌های خطی، ارجاع به مجلات، ارجاع به کتاب‌ها، ارجاع به تصاویر، ارجاع به آثار مشهور، ارجاع به آیات و احادیث و... هستند.

در ادامه همین بخش در مورد رسم‌الخط هم می‌نویسد: «در ویرایش متن کتاب باید گفت که در نقل‌قول‌های مستقیم، ویرایش رسم‌الخط کمتر انجام شده است و در بیان اشعار، ویرایش بسیار اندک است. این شیوه به آن دلیل است که مخاطبان به‌ویژه مخاطبان علاقه‌مند به ادبیات و تاریخ ادبیات، با متن اصلی بیشتر آشنا شوند و رسم امانت نیز به‌جای آورده شود» (همان).

برخلاف دانشنامه‌های علمی که شیوه‌نامه رسم‌الخط خود را تدوین و منتشر کرده‌اند، این دانشنامه فاقد شیوه‌نامهٔ رسم‌الخط است؛ حداقل می‌توانست رسم‌الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را ملاک قرار دهد و در این صورت مجبور نبود که کار خود را آسان کند و از خیر یکسان‌سازی رسم‌الخط بگذرد و شادمانه اعلام کند که به «رسم امانت» ویراش رسم‌الخط انجام نشده است.

در نقل‌قول، عبارات متن باید با امانت نقل شود و در «گیومه» قرار گیرد و ارجاع درون متنی داشته باشد، اما حفظ امانت در رسم‌الخط و نشانه‌های فصل و وصل لزومی ندارد. علائم اختصاری ارائه شده در دانشنامه، ۵ نشانه را در برمی‌گیرد و مانند ارجاع‌دهی و رسم‌الخط از ضعف علمی برخوردار است. در «شیوه‌نامه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» در سه صفحه به این امر پرداخته شده است (خاکی، ۱۴۰۴: ۲۷۵-۲۷۲).

در بخش ویژگی‌های محتوایی نیز به‌جای توضیح روشن یک پارگرافی، پس از مقدمه‌چینی‌های بی‌ربط، در مورد واژه «ادیب» می‌نویسد: «برای اینکه خلط مبحث ایجاد نشود، در این دانشنامه از این افراد با عنوان «اهل ادب» یاد شده است» (مشاهیر و نام‌آوران، بخش نخست: ۵۴).

در کتاب‌های شخصی و خاطرات، می‌توان هر عنوانی برای هر موضوعی به سلیقه نویسنده انتخاب کرد، اما در دانشنامه‌ها که کتاب‌های مرجع هستند، براساس همهٔ شیوه‌نامه‌های علمی دانشنامه‌نگاری از «کاربرد برساخته‌های فردی که در مراکز و مراجع دانشگاهی و علمی پذیرفته نشده باشد، باید جداً پرهیز کرد» (سمیعی، ۱۳۷۲: ۶) متأسفانه مصنف در همه ۹ جلد دانشنامه، برساخته‌های خود را بر عنوان‌های علمی ترجیح داده و دانشنامه را به کتاب شخصی و دلنوشته تقلیل داده است. شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، مورخ، منشی، هنرمند، واژه‌های روشن و پذیرفته شده عمومی هستند که ادغام آنها در «اهل ادب» غیرعلمی و غیرمنطقی است.

نوآوری‌های مصنف در مقدمه ادامه پیدا می‌کند و می‌نویسد: «حال اگر یکی از این «ادیبان» در ادبیات و رشته‌های دگر صاحب اثر بوده و یا شاخص است، در کتاب، نام وی آمده، در بخش‌های دیگر نیز از وی نام برده می‌شود به این تفاوت که مثلاً اگر شخصی عارف و شاعر است (که تعداد این افراد هم کم نیست) در بخش اهل ادب، ویژگی‌های ادبی و آثار ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد و در بخش مربوط به عرفا، از ویژگی‌های عرفانی وی سخن به میان می‌آید» (مشاهیر و نام‌آوران، بخش نخست: ۵۴).

بر این اساس، در این دانشنامه، هر مدخل چند بار تکرار خواهد شد و این شیوه کاملاً غیرعلمی است. دانشنامه مرجعی است که مخاطب براساس نیاز به یکی از مدخل‌های آن مراجعه می‌کند و شایسته است که آشنایی اجمالی و مستند از شاعر یا نویسنده موردنظر پیدا کند. اینکه بخشی از ویژگی‌های یک شاعر یا نویسنده را به مدخل دیگری با همین نام منتقل کنیم، کاملاً غیرعلمی است و تنها موجب اضافه شدن صفحات دانشنامه و سردرگمی خواننده می‌شود.

در ادامهٔ مقدمه، مصنف برای تایید شیوه غیرعلمی خود، از برساخته دیگری به‌نام «شورای اندیشه» که البته مانند بسیاری از نوشته‌های مصنف، از لحاظ دستوری غلط است، یاد می‌کند؛ شورایی که نه نام اعضای آن، در مقدمه و شناسنامه آمده و نه وظیفه آنان مشخص شده است؛ در حالی که در دانشنامه‌های علمی پس از سرویراستار یا سرپرست، شورای علمی، شورای گزینش مدخل، شورای ویرایش و بخش فنی تولید با وظایف مشخص به فعالیت مشغول هستند.

مصنف در مورد «شورای اندیشه» که ظاهراً نقش «شورای مصلحت»دانشنامه را ایفا می‌کند، می‌نویسد: «برای آشنایی خوانندگان با نوع نگارش و اصطلاحات و واژگان و رسم‌الخط هر دوره زمانی، بنا به مصلحت «شورای اندیشه» دانشنامه حتی‌الامکان بخشی از متن اصلی نقل می‌شود، حال اگر نوشته در مأخذ اصلی کوتاه باشد، تمامی متن آورده می‌شود و در صورت طولانی بودن، بخشی از متن نوشته می‌شود» (همان: ۵۶).

نخست آنکه؛ هر دانشنامه باید با زبان معیار علمی امروز و درست‌نویسی فارسی و رسم‌الخط یکدست، سامان یابد و خوانندگان علاقه‌مند به بررسی نوع نگارش و اصطلاحات و رسم‌الخط، به کتاب‌های تخصصی آن مراجعه خواهند کرد و دوم آنکه؛ مصلحت «شورای اندیشه» برای نقل از منابع، چه کوتاه چه بلند، تاییدی است بر اینکه مقالات دانشنامه به‌صورت علمی تدوین نشده است و ساختار یکسانی ندارد و با پشت هم گذاشتن برگه‌های تحقیقاتی، مقاله‌گونه‌ای نوشته شده است.

مصنف در ادامه می‌نویسد: «ده‌ها شاعر در دورهٔ صفویه در ایران و هند زندگی می‌کردند که در تذکره‌ها تنها چند بیت شعر از آنها نوشته شده است. نگارندگان در این دانشنامه مجبور به نگارش همین چند بیت شعر هستند» (همان). و می‌افزاید: «نگارندگان مجبور به بیان نام این شاعر و ادیب هستند، در صورتی‌که اطلاعات بسیار اندکی از وی به‌جای مانده است، اتفاقاً از اهمیت‌های پژوهش در این کتاب معرفی افراد ناشناخته است» (همان: ۵۸).

با توجه به گفته‌های مصنف، روشن می‌شود که ذهن او و شورای اندیشه‌اش، تذکره‌ای و شیوه تدوین سه جلد «مشاهیر و نام‌آوران» اهل ادب نیز بر همین مبنا بوده است. بررسی دانشنامه‌های علمی ایران و جهان نشان می‌دهد که در معرفی شاعران و نویسندگان، هیچ‌گونه شاهد شعری آورده نمی‌شود و با معرفی زندگی و آثار آنان، علاقه‌مندان را به مطالعه دیوان و کتاب‌های ایشان رهنمود می‌کند. هر شاعری که نام و بیتی از او در تذکره‌ای آمده است، الزاماً مدخل دانشنامه‌ای نمی‌شود و هیچ اجباری، برخلاف تصور مصنف، در این کار نیست. برخلاف نظر مصنف، اهمیت دانشنامه در معرفی افراد ناشناخته نیست، بلکه خوانندگان در دانشنامه‌های عمومی و تخصصی، به‌دنبال کسب اطلاع از نام‌آوران و تاثیرگذاران هر عرصه‌اند؛ ضمناً مصنف هیچ فرد ناشناخته‌ای را که قابلیت مدخل شدن باشد و در تذکره‌ها نیامده باشد، کشف و معرفی نکرده است (به‌جز پدر گرامی‌شان) و اگر برای مردم، شاعری ناشناخته است، به دلیل رونقِ عدم مداخل، شورای ویرایش و بخش فنی تولید تاثیر شخصیت و آثار او در ادب فارسی و فرهنگ شیراز است.

«دانشنامه زبان و ادب فارسی» یکی از سه دانشنامه تخصصی در حوزه مطالعات زبان و ادبیات فارسی است که با توجه به اینکه مهم‌ترین شاعران و نویسندگان ایران را در مدخل‌های خود معرفی کرده است، می‌توانست الگوی مناسبی برای مصنف سه جلد مشاهیر و نام‌آوران (بزرگان اهل ادب) باشد. این دانشنامه در سال ۱۳۷۱ شکل گرفت و اعضای شورای علمی دانشنامه، گزینش مدخل‌ها و انتخاب مولف آنان عبارت بودند از: عبدالمحمد آیتی، نصرالله پورجوادی، غلامعلی حداد عادل، اسماعیل سعادت، احمد سمیعی گیلانی، علی‌اشرف صادقی، کامران فانی، محمدعلی موحد، ابوالحسن نجفی، محمد خوانساری، حسین معصومی همدانی و قیصر امین‌پور. از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه، بر عهده اسماعیل سعادت قرار گرفت و شش جلد دانشنامه زبان و ادب فارسی، در قطع رحلی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ش منتشر شد.
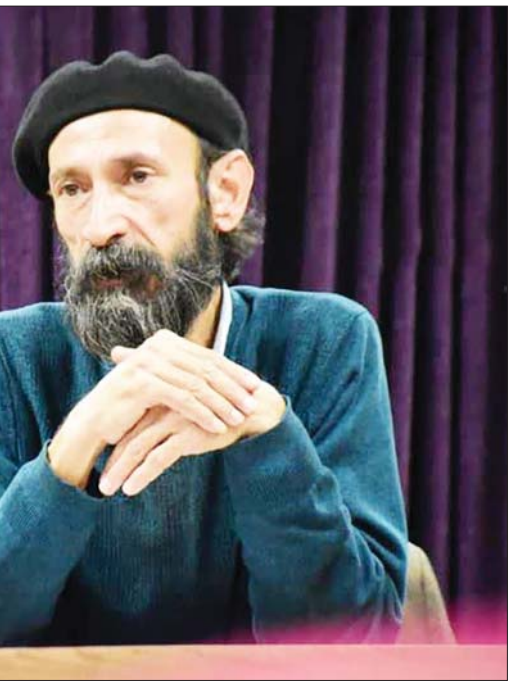
شورای علمی دانشنامه، در ابتدا فهرست بیست هزار مدخل را تهیه کرد که پس از بررسی، حدود پنج هزار مدخل از میان آنها